

فرزانگان رشت

(علما و فضلا)

رسول سعیدی زاده

سرشناسه	سعیدی زاده، رسول، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	فرزانگان رشت (علما و فضلا) / رسول سعیدی زاده
مشخصات نشر	تهران: آپ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۵۵۰ ص، مصور (بخشی رنگی)
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۶۶-۰-۴
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه
یادداشت	نمایه
موضوع	مجتهدان و علما، ایران، رشت، سرگذشتنامه
رژیم	<i>Ulama-Iran-rasht-Biography</i>
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ف ۴ ص ۷ / ۱ / ۱۵۳ BP
رده بندی دی جی	۲۹۷/۹۹۶
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۵۶۳۸۲



انتشارات آپ

فرزانگان رشت

نویسنده: رسول سعیدی زاده

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۶۶-۰-۴

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

انتشارات آپ، تهران: صندوق پستی ۱۶۳۴۸۶۳۴۱۴، تلفن: ۰۹۳۷۲۶۴۷۴۶۰۰

Email: uppublish@gmail.com

فهرست مطالب

پیش‌درآمد.....	۹
فرزندگان رشت.....	۲۳
ضمایم.....	۴۳۷
الف- مشاهیر فرزانه‌ای که اهل رشت، بودن آنان، دانسته نشد، ولی به رشت منسوب هستند.....	۴۳۹
ب- فهرست بعضی از عالمان و فضلاء روحانیت رشت که زندگی‌نامه آنان به دست نیامد.....	۴۸۵
ج- اسامی مدفونین در مقبرةالعلما گورستان‌های تار، باد، باغ رضوان، و همچنین آرامستان‌های سلیمان داراب و چ- اسامی تعدادی از روحانیون معاصر رشت.....	۴۹۱ ۴۹۷
ح- اسناد و مدارک.....	۵۰۱

پیش درآمد

رشت، از جمله شهرهای قدیمی ایران است که قبل از سال ۳۷۲ق. وجود داشته و بنابر گفته‌ی حمدالله مستوفی در *معجمه القلوب* (تألیف ۷۳۰ق.) یکی از شهرهای معروف گیلان بوده است که با قدرت یافتن صلویه در ایران، به فرمان شاه‌عباس در سال ۱۰۰۴ق. به عنوان مرکز گیلان انتخاب شد. برادرش بیش از ۴۰۰ سال از قدمت رشت به عنوان مرکز گیلان می‌گذرد. این شهر از آن جهت که بین دو رودخانه‌ی پر آب گوهررود و سیاهرود واقع شده بود، محل مناسبی برای ایجاد بازارهای هفتگی شمرده می‌شد. از این رو، به نوعی علت ایجاد این شهر را باید در بازارهای هفتگی دانست که تا به امروز نیز در اغلب شهرهای استان گیلان و همچنین مناطق گیلک‌نشین غرب مازندران پابرجاست. رشت در گذشته به مناسبت هم‌جواری با دریای کاسپین، «دارالرز» و به خاطر قرار گرفتن در گوشه‌ای از کشور ایران، «دارالامان» نامیده می‌شد.

به دلیل موقعیت جغرافیایی و بارندگی پی‌درپی، میزان رطوبت هوا در این شهر از سایر نقاط کشور بیشتر است. فصل پاییز، بارندگی به اوج خود می‌رسد. تابستان نقطه‌ی اوج شرجی بودن هوا بوده و وضعیت هوا به گونه‌ای است که تحمل آن برای غیر اهالی دشوار، حتی ناممکن است. تعریق مداوم، یبوست، تب و ... از عوارض این فصل برای غیر ساکنان آن است. از این رو ضرب‌المثل «مرگ خبی، بشو گیلان (رشت)»، یعنی: اگر مرگ را دوست داری به گیلان (یا رشت) برو، از زمان‌های گذشته در کشور ایران متداول بوده

است.^۱ در تابستان‌ها، از حوالی ظهر تا نزدیک غروب آفتاب، باد خنکی از سمت غرب به شرق می‌وزد که بدان «گیله‌وا» یا «گیلوا» می‌گویند. با زرد شدن برگ درختان و خشکی نسبی هوا در فصل پاییز، باد گرمی به نام «گرمیچ یا گرمیش» که به‌اختصار بدان «گرمش» می‌گویند، در منطقه وزیدن می‌گیرد که با کوچک‌ترین جرقه‌ای، درختان جنگلی و حتی خانه‌های مردم به آتش کشیده می‌شود.

هوا در زمستان‌ها اعتدال دارد و کمتر زمستانی دیده شده است که آب‌ها یخ ببندد و گل‌ها پژمرده گردد. اما گاهی زمستان‌های سخت نیز وجود داشته است. به طور مثال در سال ۱۲۱۰ ش. ارتفاع برف به اندازه‌ی قد یک انسان متوسط بود و در سال ۱۲۸۳ ش. نیز ارتفاع برف به حدود دو متر می‌رسید.

هم‌جواری با دریای خزر، وجود رودخانه‌های فراوان، بارش باران و خلاصه رطوبت زیاد هوا، موجب شده تا این شهر بر روی بستری از آب قرار گیرد. در اکثر روزهای سال بارش باران وجود دارد. گاهی اوقات بارندگی یک هفته و یا حتی بیشتر طول می‌کشد. گاهی نیز در طی هفته، دو یا سه مرتبه باران می‌آید. باران تنها چیزی است که مردم رشت از قرن‌ها پیش با آن کنار آمدند. چتر، بارانی (کاپشن ضد آب) و چکمه از ملزومات رفت‌وآمد محسوب می‌شوند.

اهالی رشت دارای ویژگی‌های زبانی، مائوری و فرهنگی خاص خود هستند که به راحتی می‌توان آنان را از غیرشان تشخیص داد. زبان مردم رشت، گیلکی و یکی از لهجه‌های باستانی و پرمایه‌ی ایران است. وجود واژه‌های مانده از زبان اوستایی و پهلوی در زبان گیلکی مثل: وارش (باران)، ورف (برف)، دسخت (خیس)، ولگ (برگ)؛ و همچنین وجود واژه‌هایی مانند: خانی (چشمه)، آهین (آهن)، آشه (آتش)، توم (بذر برگزیده برنج کاری)؛ تلفظ سریع واژه‌ها، حذف کلمه در میانه‌ی جملات، باب جاسی مضاف و مضاف‌الیه، مثل: زن پر (زن پدر) که در اصل پدر زن است و جنگله میان که در اصل میان جنگل (درون جنگل) است، عمده‌ترین وجه مشخصه‌ی محاوره‌ی زبان گیلکی و به‌ویژه لهجه‌ی رشتی می‌باشد.

^۱ این ضرب‌المثل در خود شهر رشت به صورت: «مرگ خوابی بوشو گرباس ده» (روستای در کوچصفهان شهرستان رشت) گفته می‌شود.

مردم رشت سفیدپوست و زیبارویند و زیبایی در جنس مؤنث، به‌ویژه دختران، در نهایت خود است. کبودی چشم یا آبی بودن آن، که در گیلکی بدان «کاس چوم» می‌گویند، در میان مردم فراوان دیده می‌شود. از ویژگی‌های ظاهری و پوشش آنان نیز تنوع در پوشاک و لباس می‌باشد. همچنین تدین، حسن خلق، علاقه به خانواده، عدم پرخاشگری، کم بودن دعوا و مرافعه در میان آنان، دوری از حرص و بخل، دست و دل بازی در مخارج اهل و عیال، عدم حسادت، و سرانجام صراحت لهجه در بیان مقاصد، از رفتارهای پسندیده عمومی آنهاست و سادگی و زودباوری، متأثر شدن سریع از فرهنگ و آداب بیگانه (۱۰) ایرانی و چه خارجی، و عشرت‌خواهی و خوش‌گذرانی و تن‌آسایی، از جمله رفتارهای نکوهیده آنان است.

دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری، تنها دوره‌ای شمرده می‌شود که شهر رشت به‌طور هم‌زمان از ده‌ها مذهب، مذهب مسلم برخوردار بود که با شروع حکومت رضاشاه پهلوی، هر یک از عالمان و فضلاء این شهر به تدریج به روی مهاجرت کردند و این پراکندگی تا حدود ۶۰ سال ادامه داشت. در سالیان اخیر، فدائری عالمان برجسته از جمله: آیه‌الله شیخ محمد ازهدی لاکانی، آیه‌الله سید مجتبی و دبائی حجة الاسلام سید موسی حجتی و عده‌ای دیگر، حوزه‌ی علمیه‌ی رشت، جانی تازه گرفت و ترسست در ردیف حوزه‌های معتبر کشور ایران قرار گیرد.

عموم مردم رشت مسلمان، شیعه‌ی دوازده‌امامی و با اعتقادات مذهبی برخوردارند. مدارس دینی متعددی در این شهر وجود داشته و دارد. اگر تعالیم مدارس علوم دینی در شهر رشت، تاریخ دقیقی در دست نیست؛ اما بسیاری از نمایندگان علم دین از این دیار برخاستند. وجود این افراد، حاکی از آن است که تحصیلات علم دین در گیلان سابقه‌ی دیرینه دارد و شهر رشت هم به‌عنوان شهر مهم این دیار از آن مسئله مستثنا نیست.

مهم‌ترین و تاریخی‌ترین حوزه‌های علمیه‌ی رشت، عبارت‌اند از: مدرسه‌ی حاج حسن، معروف به «صالح‌آباد»، که نزدیک باغ سبزه‌میدان است. حوزه‌ی علمیه‌ی صالح‌آباد که چهره‌های علمی و فرهنگی فراوانی در آنجا تربیت شده‌اند و به جهت تدریس میرزا کوچک خان جنگلی (میرزا بونس)، معروف به «مدرسه‌ی میرزا کوچک» نیز شده است. بانی اصلی این مدرسه و مسجد آن، حاج حسن آقا، فرزند آقا احمد کلانتر بود که برای برگزاری سوگواری اباعبدالله حسین(ع)، به تأسیس و ساخت مدارس علوم دینی،

مساجد و تکایا رغبت داشت. طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی صالح‌آباد از همان زمان، از پیشروان راه آزادی بودند که از جمله آن‌ها می‌توان به میرزا کوچک‌خان و حاج حسین کسمایی، محمدمهدی (محمدی) انشایی و سید حبیب‌الله مدنی اشاره کرد. قدمت این مدرسه، نزدیک به ۱۵۰ سال است. در سال ۱۳۸۳ ش. بر اثر برف شدید ساختمان مدرسه به‌طور کامل تخریب شد که در سال ۱۳۸۸ ش. دوباره از اساس و پایه ساخته شد.

مدرسه‌ی نایب‌الصدر، واقع در آخر راسته مسگران خیابان شهید مطهری؛ مدرسه‌ی مهدویه، در اول کوچه‌ای به همین نام، واقع در پشت مسجد کاسه‌فروشان بازار که در دهه سی سمنی، زیر نظر آیه‌الله سید محمود ضیایی بود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زیر نظر حاج شیخ صادق احسان‌بخش قرار گرفت؛ مدرسه‌ی علمیه‌ی جامع، واقع در بازار جامع رشت، که وسیله‌ی آیه‌الله سید حسین رودباری و سپس فرزندش آیه‌الله سید مجتبی رشتی اداره می‌شود؛ مدرسه‌ی مستوفی، در محله بادی‌الله (بدیع‌الله) خیابان شهید مطهری تحت نظر آیه‌الله شیخ محمد ازهدی لاکانی که امروزه توسط دوست گرامی حجة‌الاسلام شیخ حسین وحدانی فرحی اداره می‌شود؛ مدرسه‌ی امام جعفر صادق (ع)، در کنار مسجد حاج سمیع (حاجی سمیعی) محله‌ی بادی‌الله که در حدود سال ۱۳۶۱ ش. تأسیس شد. نام قبلی این مدرسه، مدرسه‌ی حاج مجتهد بود که به همراه مسجد مجاور به‌توسط حاج مجتهد ساخته شده بود. اما در دوره‌ی رضاخان، این مدرسه‌ی علمیه به مرکز آموزش موسیقی دختران تبدیل شد، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازسازی آن با همت حجة‌الاسلام سجادی - مایندین ولی‌فقیه در جهاد گیلان - انجام گرفت. همه‌ی مدارس معرفی‌شده، از جمله مدارس عارم، دینی، شهر رشت هستند. البته باید یادآوری کرد که در گذشته، دور مدرسه‌ی جامع رشت در کنار مسجد جامع بازار وجود داشت که در قرن ۱۳ هـ ق.، همراه با مسجد جامع، ساخته شده بود و اکنون خراب‌شده و اثری از آن نیست.^۱ از مدارس دینی‌ی دیگر رشت که به‌سازی ساخته‌شده، نیز می‌توان به: مدرسه‌ی حاج محمود؛ و حوزه‌ی علمیه‌ی امیرالمؤمنین (ع) که بدان

^۱ مدرسه‌ی قدیمی جامع که در گذشته در کنار مسجد جامع بازار رشت بود و امروزه اثری از آن وجود ندارد، با مدرسه‌ی علمیه‌ی جامع، واقع در مجاورت مسجد بازار جامع خیابان شریعتی، که از مدارس دینی تقریباً جدید است، تفاوت دارد. در تمام متن کتاب فرزانتان رشت، نام مدرسه‌ی اولی به صورت «مدرسه‌ی جامع واقع در کنار مسجد جامع بازار» و نام مدرسه‌ی دومی به صورت «مدرسه‌ی علمیه جامع واقع در بازار جامع رشت» آورده شد و در مواردی که مشکوک بین این دو بود، واژه‌ی بازار همراه با علامت سؤال، داخل کمان قرار گرفت.

بزرگ‌ترین حوزه‌ی علمیه‌ی خاورمیانه اطلاق می‌شود، اشاره کرد. حوزه‌ی علمیه‌ی امیرالمؤمنین (ع) با مساحت ۴۰ هکتار و با زیربنای ۷۱ هزار مترمربع، با اعتباری بالغ بر بیست و پنج میلیارد تومان در چهار طبقه احداث شده است. فاز نخست این حوزه ۳۰۰ طبقه، شامل ۱۵۰ طبقه‌ی داخلی و ۱۵۰ طبقه‌ی خارجی را پذیرش می‌کند. این حوزه با حضور جمعی از عالمان و مدیران دستگاه‌های اجرایی استان گیلان، در پنجم مهرماه سال ۱۳۹۲ ش. به بهره‌برداری رسید.

مدرسه‌ی دینی خواهران رشت نیز سابقه‌ی تاریخی ۱۵۰ ساله دارد، البته این مدرسه در گذشته به نام حوزه‌ی خواهران نبوده، بلکه با نام مدرسه‌ی حاج سمیع خوانده می‌شد. در دوره‌ی پهلوی آن را شاهدخت نامیدند. این مدرسه با نظر آیة‌الله محمدعلی شرعی (۱۳۹۵-۱۲۱۴ ش.) مدیر سابق حوزه‌های علمیه‌ی خواهران کشور، علی‌رغم مخالفت برخی از عالمان منطقه و با استفتا از مقام معظم رهبری، تخریب شد و هم‌اکنون در حال نوسازی در سه طبقه است. مدرسه‌ی علوم دینی‌ی خواهران مکتب زهرا (س) در خیابان آیة‌الله العارم نیز از جمله مدارس جدیدالتأسیس است که زیر نظر آیة‌الله سید مجتبی رودباری اداره می‌گردد.

روحانیت جزئی تفکیک‌ناپذیر از جامعه مذهبی رشت شمرده می‌شود. تدریس در حوزه و دانشگاه، اقامه‌ی نماز جماعت، ایام سخنرانی‌های مذهبی، بیان مسائل شرعی، پاسخگویی به سؤالات شرعی، از جمله وظایف آنان است. تعدادی از روحانیون به خاطر مقام علمی از جایگاه اجتماعی و معنوی خاص در میان مردم برخوردارند. آیة‌الله شیخ محمد ازهدی لاکانی (م. ۱۳۷۹ ش.) امام جماعت مسجد بزرگ خواهر امام که بعد از درگذشت آیة‌الله سید عبدالوهاب صالح ضیابری (م. ۱۳۱۷ ش.) به سرانجام رسید، و آقا سید حسین رودباری (م. ۱۳۶۵ ش.) امام جماعت مسجد صفی، از نمایندگان روحانیت در دوره‌ی معاصر بوده‌اند. شیخ محمدعلی انشایی (م. ۱۳۶۳ ش.) پیش از مسجد امام حسین (ع) زیر کوچه (جیر کوچه)، آیة‌الله شیخ مختار ظهیری (م. ۱۳۸۲ ش.) پیش‌نماز مسجد بیستون (طالقانی)، و آیة‌الله شیخ محمدعلی زاهد خمیرانی، امام جماعت مسجد حاج سمیع محله بادی‌الله، از جمله روحانیون فاضل و صاحب تألیف و با تأثیر معنوی در میان جامعه بوده‌اند. در میان فضلاء روحانیت معاصر افراد مبارز و انقلابی نیز دیده می‌شوند. حجج‌الاسلام حاج صادق احسان‌بخش (م. ۱۳۸۰ ش.) نماینده امام خمینی (ره)،

میرابوطالب حجازی (ت. ۱۳۲۱ ش.) و سید محمد مؤدب پور (م. ۱۳۸۱ ش.) از آن جمله هستند. (سعیدی زاده)

اهمیت سرگذشت نامه نویسی

تراجم جمع ترجمه و به معنای ذکر کردن سیرت، اخلاق و نسب شخصی و همچنین شرح احوال و گزارش است. (معین، ج ۱، ص ۱۰۶۴) تراجم یا سرگذشت نامه نویسی^۱ عبارت است از بررسی شرح احوال شخصیت‌ها از نظر اجتماعی و فردی. به عبارت دیگر زندگی نامه یا شرح حال، بازآفرینی سیمای برجسته یک زندگی واقعی به یاری اسناد، خاطره یا هرگونه شواهد دسترسی پذیر است.

بقیه زندگی نامه نویسی به روزگاری می‌رسد که انسان توانست گوشه‌هایی از زندگی خود و یادگان را ثبت کند و یاد آن را زنده نگه دارد. سنگ‌نوشته تمدن‌های مصر، بین‌النهرین و ایران، دارای نمونه‌های فراوانی از زندگی نامه هستند. زندگی نامه نویسی در اروپا، زندگی نامه‌هایی که ایوان خیوسی نوشته است، شروع می‌شود. ایوان که در سال پنجم پیش از میلاد می‌زیست، زندگی نامه‌هایی درباره‌ی برخی از معاصران نامدار خود، مانند پرکلس و سوفوکلس نوشته بود که اکنون از میان رفته و تنها پاره‌هایی از آن‌ها به دست ما مانده است. سده‌ی هفده و هجدهم، دوره‌ی پر بار سرگذشت نامه نویسی در اروپا است. در این دوره بود که نخستین بار از کلمه‌ی «بیوگرافی» برای اختصاص هویت جداگانه، به کتاب‌های زندگی نامه‌ای به کار گرفته شد. در جهان اسلام، به روایت منابع شیعه عبدالله بن ابراهیم ابورافع، نخستین کسی که کتاب زندگی نامه‌ای نوشت بود، که پدرش آزاد کرده‌ی یار (ع) و خود او از یاران امام علی (ع) بوده است. عبدالله که کارگزار بیت المال مسلمانان در سلاطین علی (ع) و کاتب وی در شهر کوفه بود، کتابی به نام تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین (ع) و صفین و النهران من الصحابة نگاشته است.

کتاب‌های زندگی نامه را به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف - کتاب‌های تراجم احوال یا فرهنگ زندگی نامه‌ها.

ب- مناقب نامه یا کتاب‌هایی که درباره‌ی اولیای مذهب یا ارباب طریقت نوشته شده.

ج- زندگی نامه بدعت‌گذاران.

^۱ - Biography

روش کتاب حاضر قسم اول است. در این گونه آثار، مؤلفان با روشی که خود برمی‌گزینند، به شرح زندگی کسان می‌پردازند و از گزافه‌گویی و آوردن داستان‌های باورنکردنی می‌پرهیزد. این گونه نوشته‌ها، خلاصه‌ای از دوره تحصیل و شاگردی صاحب ترجمه به دست می‌دهند، به ذکر اسنادان می‌پردازند و از شاگردان او نام می‌برند، و با برشمردن آثارش شرح زندگی او را به پایان می‌رسانند. (فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، ج ۱، ص ۱۴ (مقدمه): تاریخ‌نگاری در ایران، ص ۲۹۳-۳۰۷)

منابع: بازروث، اشپولر، و دیگران، ترجمه یعقوب آژند، گستره، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش؛ سعیدی‌زاده، رسول، دفتر ایام (تاریخ رشت در سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۷۰ ش)، ج ۱، ص ۱۰؛ فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، عباس جلالی و دیگران، به سرپرستی حسن انوشه، چاپ گلشن، تهران، ۱۳۶۹ ش؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.

شیوه‌ی نگارش

آثاری که درباره عالمان و فضایی‌ان گیلان وجود دارند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: در گروه اول متنی فراوانی دیده می‌شود که هیچ‌یک مخصوص به عالمان دینی گیلان نبوده و شرح احوال فیلانی در کنار سایر عالمان ایران و حتی جهان آورده شده است. کتاب‌های طبقات/اعلام، در ۱۱ جلد، تألیف محمدحسن تهرانی معروف به «آقای‌بزرگ تهرانی»، گنجینه‌ی دانشمندان، تألیف محمد شریف رازی، تربت پاکان قم، نوشته عبدالحسین جواهرکلام، گلشن، تهران، تهیه جمعی از پژوهشگران پژوهشکده‌ی باقرالعلوم (ع) قم، داخل در این بخش هستند.

گروه دوم اگرچه به مشاهیر گیلان اختصاص دارد، ولی هیچ‌یک منحصر به عالمان و فضلا نبوده، بلکه شامل سایر طبقات جامعه مثل شعرا، سیاست‌مداران، هنرمندان و غیره می‌شود. تاریخ علماء و شعرای گیلان، تألیف حسن شمس گیلانی، نامه‌ها و سندهای گیلان نوشته جهانگیر سرتیپ پور، دانشوران و دولتمردان گیل و دیلم تألیف صادق احسان‌بخش؛ مشاهیر گیلان تألیف ابراهیم فخرایی؛ مشاهیر گیلان نوشته رضا مظفری در شش جلد؛ زندگینامه مفاخر و مشاهیر گیلان نوشته محمدابراهیم گوهریان؛ سیمای رشت نوشته محمدرضا سماک امانی، و سرانجام مؤسسه‌ی مطالعات مبارزات اسلامی گیلان به مسئولیت مرتضی عبداللهی، در قم که سایت اینترنتی رنگ/ایمان را دارد، تحت این دسته قرار می‌گیرند. بنابراین، درباره‌ی مشاهیر روحانیت به‌ویژه شهرستان رشت،

منبع مستقلی وجود ندارد و تألیف و نگارش مجموعه‌ای در این مورد بیش از پیش احساس می‌شود. به‌اختصار آنکه این اثر درصدد معرفی روحانیت شیعه بوده و تلاش آنان در طول قرون و اعصار در راه تبلیغ مذهب تشیع را به تصویر می‌کشد. در اینجا نکاتی را لازم به ذکر می‌دانم:

الف- کتاب *فرزندگان رشت*، شرح احوال مشاهیر روحانیت به شیوه‌ی الفبایی دایرةالمعارف بوده و محدوده‌ی جغرافیایی آن نیز تنها شهرستان رشت، یعنی شهرهای رشت و حومه، خمام، خشک بیجار، کوچصفهان، لشت‌نشاء و سنگر است. بنابراین؛ شهرستان رودبار که در جنوب رشت قرار دارد و شهر رستم‌آباد جزو است، و شهرستان ای آستانه‌اشرفیه و سیاهکل که در شرق و جنوب شرقی رشت بوده و از قدیم جزو لاهیجان شده بودند و همچنین شهرستان شفت، واقع در جنوب غربی رشت که از گذشته در بخشی از فومن محسوب می‌گردید، خارج از این مجموعه می‌باشد.

ب- در کتاب *فرزندگان رشت* از ۵۵۷ شخصیت رشتی به روش زیر یاد شده است: در بخش اول این اثر که شامل اکثر صفحات این مجموعه می‌شود، شرح احوال ۳۶۲ نفر از عالمان و فضلاء رشت آورده شد. در بخش دوم آن، زندگینامه ۲۲ تن از عالمانی است که تنها به رشتی بودن، شهرت دارند، اختصاص داده شده است. در بخش ضمیمه‌ها نیز سه جدول جداگانه با توضیحات لازم بدین شرح گنجانیده شده است:

جدول اول شامل: اسامی ۵۶ نفر از عالمان و فضلاء رشت است که زندگینامه‌ی آنان پیدا نشد و در چاپ دوم این اثر آورده خواهد شد. جدول دوم: نام ۶۶ تن از روحانیون مدفون در مقبرةالعلماء گورستان‌های تازه‌آباد، باغ رضوان و همچنین قبرستان‌های سلیمان داراب و ... است؛ جدول سوم اسامی ۴۱ تن از روحانیون ناصر رشت است که اکثر قریب به اتفاق آنان در قید حیات‌اند و به تبلیغ و ترویج دین اشتغال دارند. در پایان نیز ۲۳ برگ سند و مدرک درباره‌ی مشاهیری که شرح احوال آن‌ها در متن آورده شد، ارائه گردید.

پ- ملاک آوردن شرح احوال مشاهیر در این مجموعه، محل تولد و یا درگذشت آنها در رشت بوده است. اما شخصیت‌هایی که در جاهای دیگر، مثل نجف اشرف به دنیا آمده و یا در آنجا به خاک سپرده شده‌اند، اگر عمر خود را در رشت گذرانیده و به اصطلاح «رشتی» حساب می‌شوند، ذکر گردید. از طرف دیگر، در این اثر جنسیت مطرح نبوده و زندگی‌نامه امثال «شهربانو صفری» نیز که از مجتهدان معاصر بودند، ذکر شده است.